

بسم الله الرحمن الرحيم

درسنامه سطح 2

موضوع: خانه‌ی مهربانی‌ها

تهیه شده در: موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

داستان

مادر رو به پدر می گوید: از فردا روزه بگیریم، قبل از جواب پدر، پسر کوچک از مادر سؤال می کند فردا که ماه مبارک رمضان شروع نمی شود پس چرا می خواهید روزه بگیرید مادر به پسر نگاه می کند تبسمی می زند و جواب پسر کم فدای تو شوم آن زمان که تو و برادرت مریض بودید، پدر بزرگ شما به خانه ما آمد و به من و پدرت گفت که برای اینکه بچه ها حالشان خوب شود بهتر است که نذری^۱ بکنید ما هم نذر کردیم که خداوند حال شما را خوب کند و ما هم سه روز، روزه بگیریم، الان هم که حالتان خوب شده، پدر پیشنهاد مادر را قبول می کند و تصمیم می گیرند که فردا روزه بگیرند در این حال دو پسر که تازه حالشان خوب شده رو به پدر و مادر می کنند و می گویند: اجازه می دهید ما هم به مانند شما روزه بگیریم، مادر بچه ها را در آغوش می گیرد و می گوید: آخر تازه حالتان خوب شد نگاه بچه ها به مادر نشان از خواهش آنهاست که لطفاً اجازه بدهید، بالاخره پدر و مادر موافقت می کند.

هوا گرم بود برای پدر و مادر روز پر کاری هم بود...^۲ بالاخره خورشید خانم تصمیم می گیرد که جای خودش را با جناب آقای ماه عوض کند، سغه افطار پهن شد به به، پدر و مادر دو تا پسرها دور سفره افطاری نشستند^۳ غذای روی سفره هم آب بود و نان جو هر چهار نفر خوشحالند که توانستند یک روز، روزه خودشان را بگیرند، «بسم الله الرحمن الرحيم» همین که لقمه نزدیک دهان شد، تق تق صدای کوبیدن در آمد. (دوستای من اون زمان آیفون که نبود که صدای آن کسی که پشت در است را بشنود یا قیافه او را ببیند، شب هم بود، بخاطر همین) پدر رفت تا ببیند چه کسی است، بعد از مدت کوتاهی پدر برگشت و رو به بقیه اعضای خانواده گفت: یک فقیری د است و می گوید که گرسنه است من غذای خودم را می خوام به او بدهم، مادر به پدر گفت غذای من را لطفاً ببرید و به او بدهید، دو تا پسرها هم گفتند بابا لطفاً غذای ما را هم به او بدهید پدر لبخند به لب و خوشحال از این کار مادر و دو تا پسرهای خودش، نان هر چهار نفر را برداشت و به آن فقیر داد و برگشت سر سفره، آن شب هر چهار نفر با آب فقط افطار کردند، تازه قرار بود که فردا هم روزه بگیرن چون با خدا پیمان بسته بودند که تا سه روز روزه بگیرند.

1. مری محترم می توان به عنوان سؤال از دانش آموزان تعریف نذر و احکام مربوط به آن را که - بچه ها اصلاً کی می داند نذر یعنی چه؟ و چه شرایطی دارد؟ مسأله - نذر آن است که انسان مستلزم شود برای خدا بر عهده او باشد انجام کار خیری یا ترک که نکردن آن بهتر است یا مستلزم شود به اینکه مالی از اموال او ملک دیگری باشد.
- مسأله - نذر کننده باید مکلف و عاقل باشد و به اختیار و قصد خود نذر کند.
2. مری محترم می تواند به فعالیت های حضرت زهراء (فعالیت های علمی و پاسخ گویی به شبهات و سوالات مکه و مدینه) و حضرت امیرمؤمنان (کندن چاه اطراف مدینه و پیوند زدن در ختان خرما) البته بدون نام بردن از آنها.
3. بچه به نظر شما سر سفره افطاری چه چیزی بود؟ (دانش آموزان حدس می زنند و مری ادامه داستان را می دهد و یا احکام مربوط به افطار و خوردن افطار را مطرح نماید.

روز دوم دیگر فقط گرمی هوا نبود که تحمل باید می شد بلکه گرسنگی دو روز هم بود. بالاخره اذان گفت و نماز خواندن و سفره پهن شد، راستش سفره امشب هم مثل سفره دیشب فقط آب و نان جو رویش بود ولی خوشحالی و رضایت توی هشت تا چشمها معلوم بود امشب همین که مادر نان را بر سر سفره آورد دوباره صدای کوبیدن در را شنیدیم پسرها به هم می گویند: چه کسی می توان باشد. بعضی فکر می کنند شاید پدر بزرگشون آمده باشد ولی بابا که رفت در را باز کند یک کمی طول کشید بعد برگشت غذای خودش را برد مادر صدایش کرد: آقا چی شده؟ پدر گفت: بنده خدایی اونده که پدر ندارد، گرسنه است غذایی هم ندارد غذای خودم را به او می دهم و بر می گردم. مادر گفت: آقای مهربونم: غذای من رو هم به آن یتیم بدهید. بچه ها گرسنه بودند ولی گفتند آن بیچاره که پدر و مادر ندارد و کسی رو هم ندارد که کمکش کندف داداش بزرگ غذای هر دو تا پسرها را برداشت به بابا داد و گفت این ها را به او لطفاً بدهید. پدر دستی به سر بچه خودش کشید گفت: آفرین و هر چهار تکه نان را رفت و به آن یتیم داد.

دوستای من سرتان را درد نیاورم بالاخره نظر کرده بودند که سه روز، روزه بگیرند. دو روز بود که فقط آب می خوردند و غذایی نداشتند که بخورند. روز سوم افطار بازم یکی در زد این دفعه یک اسیری اومه بود باز هم هر چهار نفری غذای خودشون رو به او می دهند.

حالا بچه های یک سؤال پرسیم؟ چه کسی می تواند بگوید اسم پدر بزرگ چی بود؟

آفرین! حضرت محمد مصطفی (صل الله علیه و آله) و اون پدر اسم (بچه ها شروع می کنند به گفتن)... دُرسته حضرت علی (علیه السلام) مادر، مادر... حضرت زهراء (سلام الله علیها) و اون آقا پسرها... امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام)

قصه ما به سر رسید ولی یک چیز هنوز مونده. اگر گفتید اون چیه؟ از این داستان چه چیزی متوجه شدید؟



هر یک از دانش آموزان برداشت خود را می گوید مثل کمک کردن خوبه و از این قبیل.

مربی: من از این داستان یک چیز دیگه هم متوجه می شوم و نقاشی یک خانه را خیلی ساده می کشد.

مربی ادامه می دهد، از این قصه واقعی که حتی آیه قرآن هم در موردش آمده سوره انسان * آیه 8 که می فرماید: «و يطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً».

بله دوستان من! به نظر شما یک خانه باید چه ویژگی هایی داشته باشد تا بتوان نام مبارک خانه را بر آن نهاد. یادآوری: مربی محترم پس از شنیدن نظرات دانش آموزان، در صورتی که نکات زیر در صحبت های آنان بود، بر روی تخته یادداشت کنید.

- مهربان
- آرامش
- جمع (کنار هم بودن)

- با احساس
-

یادآوری: در واقع مربی با این سؤال می‌خواهد یکی از رموز تشکیل خانواده‌ای مهربان، آرام، در کنار هم و با احساس را مطرح کند.

به نظر من یکی از چیزهای خیلی مهم که خانواده و خانه به او نیاز دارند، این است:

روح‌مات

بله؛ «احترام»

رمز ما «احترام» شد ولی احترام به چه کسی؟ به کسانی که با ما در یک خانه زندگی می‌کنند.

بنابراین راه حل داشتن و اصلی‌ترین رمز داشتن خانه‌ای با آن ویژگی‌هایی که ذکر کردیم، «احترام» است.

اما چگونه می‌توانیم این احترام و همدلی و صفا و صمیمیت را در خانه و اعضای خانواده ایجاد کنیم؟
پاسخ: با هشت کارت!

اگر ما به چیزهایی که در این کارتها نوشته شده است، عمل کنیم، همان خانواده ایده‌آل و مبارک تشکیل خواهد شد.

کارت اول: اصل مهربانی

یکی از اصولی که در خانه اگر رعایت شود کلی از مشکلات حل می‌شود، اصل مهربانی است. مهربان بودن با اعضای خانواده، خشن و عصبانی برخورد نکردن با آنها. در قرآن سوره آل عمران آیه 159 خداوند به پیغمبر اسلام می‌فرماید: اگر خشن و سنگدل بودی هرگز مردم دور شما جمع نبودند این مهربانی تو بوده که باعث شده تا مردم دور شما جمع شوند.

آیه می‌فرماید: «فبما رحمة من الله، لنت لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك»

کارت دوم: اصل زرنگی

بچه‌ها! اگر هر کدام از ما زرنگ باشیم، تنبل نباشیم، کلی از مشکلات خانه حل می‌شود. اما زرنگی اینجا به چه معناست؟

یعنی اینکه خودمان کارهای خودمان را انجام دهیم؛ نه اینکه حتی خیلی کارهای شخصی و وسایل شخصی را هم به گردن دیگر اعضای خانواده بیندازیم.

یا اینکه از بعضی از امورات خانه را هم که قرار است ما انجام بدهیم و بر دوش ما گذاشته‌اند را به خوبی انجام ندهیم و شانه خالی کنیم.

اگر ما هم در خانه مسؤولیت پذیر باشیم، خیلی از دعوای در خانه به وجود نمی آید مثل آشغال گذاشتن سر درب منزل، نان گرفتن و...

کارت سوم: اصل مشورت

مشورت در کارها واجب شود تا پشیمانی در آخر کم شود
 امام علی (ع) می فرماید: « من استبد برایه هلك و من شاور الرجال شارکها فی عقولها »؛ هر که خودش را با عقل آنان شریک می سازد. اگر در خانه و خانواده ما با پدر و مادر و حتی خواهر و برادر مشورتی کارها را انجام دهیم و خودسرانه تصمیم نگیریم کلی از کارها و مشکلات حل می شود.
 آیاتی از قرآن هم در مورد مشاوره آمده است؛ مثل سوره شوری آیه 38 و سوره آل عمران آیه 159.

کارت چهارم: اصل کنترل

دوستان من! اگر ما بتوانیم جلوی خودمان یا بهتر بگوییم جلوی زبان خودمان را بگیریم، کلی از قضایا حل می شود. اگر از چیزی ناراحت و عصبانی شدیم، ولی خودمان را کنترل کنیم، اگر توهین در کار نباشد، اگر با مهربانی که می کنید احترام هم آمیخته شود چه غذای خوشمزه ای می شود. هر موقع که عصبانی می شویم اگر این اصل جلوی چشممان بیاید کلی از قضایا حل می شود و خدای ناکرده بعداً پشیمان نمی شویم.

کارت پنجم: اصل همدردی

تا حال فکر کرده اید انسانی که فقط به فکر خودش است و اصلاً به موقعیت پدر و مادر خود توجه نمی کند چگونه انسانی است؟ انسانی که همدردی نمی کند خودش را جای پدر و مادرش یا برادرش و خواهرش نمی گذارد، چگونه است؟
 خب وقتی هنوز حقوق نگرفته وقتی مرغ یا گوشت در خانه نیست، مادر مجبور است یک غذای ساده درست کند ولی گاه فرزند خودخواه بدون توجه به مشکلات پدر و مادر، غذایی را که مادر با عشق و محبت درست کرده نمی خورد و نه تنها نمی خورد بلکه به کام دیگران هم تلخ می نماید.
 گلایه های زندگی! بیایم شریک اعضای خانواده- خصوصاً پدر و مادر- در داشتن ها و نداشتن ها باشیم و آنها را درک کنیم و خود را جایگزین آنها نماییم.

کارت ششم: اصل عفو و بخشش

«فاعف عنهم و استغفر لهم»
 این آیه قرآن به پیامبر اسلام (ص) می فرماید: ای رسول خدا از خطاهای آنها درگذر. اگر ما هم این اصل را رعایت کنیم اگر احیاناً پدر و مادر، برادر و خواهر یک اشتباهی کردند و ما بخواهیم سخت گیری کنیم و

⁴ نهج البلاغه، فیض الاسلام، کلمات قصار 152

درصدد انتقام و جبران و مقابل آن اشتباه قرار بگیریم دیگر محیط خانه یک بستر آرام که نمی شود هیچ، تازه می شود یک میدان جنگ و مبارزه.

اصل هفتم: اصل شهادت

بابا اگر یک اشتباهی مرتکب شدیم می میریم بگوئیم من اشتباه کردم، پوزش می خواهم، دیگر سعی می کنم تکرار نکنم.

آنقدر نباید مغرور باشیم که شهادت نداشته باشیم که یک معذرت خواهی برای ما عین خوردن یک سم مهلک باشد.

در خانه بعد از هر اشتباه، سینه سپر کنیم و از همه اعضای خانواده معذرت بخواهیم.

اصل هشتم: اصل توکل

این اصل باید اول از همه مطرح می شد ولی خواستیم پایان اصول زندگانی گفته باشیم که از اول باید توکل کرد. ارتباط با خدا و تکیه و اعتماد به خداوند یک اصل اساسی در زندگی است؛ وقتی بر خداوند اعتماد و توکل شد موفقیت و عدم موفقیت ظاهری برنامه های زندگی تاثیر منفی در روند امور نخواهد داشت. از طرفی کمک گرفتن از نیروی الهی بر توانمندی فرد می افزاید و افراد به ظاهر ناموفق هم اجر خود را در پیشگاه خداوند خواهند داشت.

که قرآن می فرماید: «و من یتوکل علی الله فهو حسبه»

ضمن اینکه اگر خدا در زندگی ما حضور جدی و واقعی داشته باشد، خیلی از این مشکلات هم وجود نخواهد داشت. چون یک انسان با ایمان توهین نمی کند، دروغ نمی گوید، صبور است، خوش زبان و مهربان است، متواضع و فروتن است و ...

پایان

مؤسسه علمی فرهنگی یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

به کوشش حجت الاسلام و المسلمین قضایی